

اللهم انی اسئلك من نورک بانوره  
و کل نورک نیّر  
اللهم انی اسئلك بنورک کله  
(فرازی از دعای سحر)

## افطاری از جنس

### «نور»

علی بهاری راد<sup>۱</sup>

#### تعریف نور

در فرهنگ و لغت، نور به معنای روشنایی، فروغ و فروز، روشنایی چراغ یا آفتاب، خلاف ظلمت و تاریکی و جمع نور؛ انوار آمده است.

از منظر قرآن کریم، نور به عناوین؛ نام خدا - مصداق قرآن و پیامبر اعظم (ص) آورنده قرآن - نام سوره‌های از قرآن، نور شمس و قمر - روشنی - روشنایی بخش - هادی مطلق - معدن حیات طیبه - هدایت کننده به صراط مستقیم - اندرزگو - روشنگری و اندازکننده - منبع نورانی بخش آسمان‌ها و زمین - نمایاننده راه جنت - تعیین کننده راه عدالت - مخزن جمیع خیرات و حسنات و برکات - منورکننده دل‌ها به نور ایمان: نور عقل و حکمت، نور حقیقت و معرفت، نور محبت و مودت، نور اخوت و خدمت، نور علم و عمل صالح، نور صلاح و فلاح و رستگاری، نور ایثار و فداکاری و ... که خلاف و درست نقطه مقابل آن می‌شود: ظلام، ظلمت و ظلمات، جهالت، نابینایی و کوری چشم و دل - کفرورزی و گمراهی و کجراهی - وسیله سیاهی و تباهی و تاریکی قلب - ضد بصیرت و آگاهی -

۱. سردفتر بازنشسته دفتر اسناد رسمی شماره ۱۱ تبریز.

وسیله انحراف و لغزش و سقوط - عناد و لجاجت توأم با شک و تردید و نفاق و کینه و دشمنی - مسدودکننده راه حق خداوند - یعنی ابلیس - هجمه شیاطین انس و جن - اغواکننده به ظلم و جور و فتنه - وسیله مرگ و نیستی و رذالت و بدبختی - سوق دهنده به شرک و بت پرستی و خودپرستی - هل دهنده به قعر نار و ...

### خواص نور

#### الف - خواص فیزیکی:

۱ - نور وسیله تشخیص اشیا در مسیر تابش است. ۲ - وسیله تشخیص ابعاد، رنگ، اندازه فیزیکی اشیا و اجسام است. ۳ - وسیله تشخیص پستی و بلندی‌ها و تعیین کننده راه و چاه از هم است. البته این خواص جهت نور فیزیکی است که از ذرات ریزی به نام فوتون (foton) تشکیل شده است.

#### ب - خواص قرآنی:

این که به تحقیق، نور فیزیکی نشأت گرفته از منبع نورانی توحید است و مشتق از نور جمال و جلال خالق نور است بدین معنا که این نور ظاهری (فیزیکی) ما را به سوی نور باطنی (نور وحدانیت و یگانه پرستی) رهنمون است و لذا می‌گوییم: *الله نور السموات و الارض* که مصداق کامل نور توحید و نورانیت قرآن مجید است که کلام توحید است و همان است که دل‌های مسلمین از نور هدایت قرآن مجید، نورانیت ایمان پیدا می‌کند و بدین دلیل است که پیامبر اعظم (ص) که خود عین نور است، می‌فرماید: *اللهم نور قلوبنا بتلاوة قرآن*.

### رمز و راز آفرینش نور

قطعاً مفسرین حقیقی نورانیت قرآن در بیان، تفهیم، تدبیر، تفسیر و عمل و ارشاد و انذار آیات کریمه قرآن، انوار مقدسه پنج تن آل عبا و ائمه معصومین، اختران درخشان و بدخشان آسمان امامت و ولایت *علیهم الصلوة و السلام* هستند.

انوار تابناک وجود منور این چهارده معصوم *علیهم السلام* در دوران حیات و ممات نورانی خود تا ابدیت جهت هدایت انسان‌ها به راه توحید (راه سعادت دنیا و آخرت) مأمورند و ایشان به نور ذات نور همواره شاهداً و بشیراً و نذیراً بوده و همیشه اسوه و الگو برای کل

بشریت هستند و جهت اجتناب از ورود به راه شرک که راه مذلت و گمراهی محض است، بازدارنده هستند.

و به منظور تنویر هرچه بیشتر افکار به ویژه جوانان عزیز و تشریح و تحلیل آنچه مذکور افتاد، ناچاراً به خود قرآن که نور مطلق است، چنگ می‌زنیم.

... همانا از جانب خدا برای هدایت شما نوری عظیم و رسولی بزرگ و کتابی به حقانیت آشکار آمد و خدا بدان کتاب هر کس را که از پی رضا و خوشنودی او راه سلامت پوید، هدایت کند و او را از تاریکی جهل و گناه بیرون آورد. (سوره مبارکه مائده آیات شریفه ۱۵ و ۱۶)

ما تورات را که در آن هدایت و نور و روشنایی دلها است، فرستادیم تا پیغمبرانی که تسلیم امر خدا هستند بدان کتاب بر یهودیان حکم کنند... و از پی رسولان باز عیسی پسر مریم را فرستادیم که تورات پیش از خود را تصدیق داشت و انجیل را نیز بر او فرستادیم که در آن هدایت و روشنی دلها و تصدیق به درستی تورات و راهنمایی مردم و انذار برای پرهیزگاران بود. (سوره مبارکه مائده آیات شریفه ۴۴ و ۴۶)

ستایش مر خدای راست که آسمان و زمین را آفرید و ظلمات و نور را مقرر داشت با آن که نظم آسمان و زمین دلیل یکتایی آفریننده است باز کافران به خدای خود شرک می‌ورزند (سوره مبارکه انعام آیه شریفه یک) ... پس آنان که به رسول ختمی مرتبت گرویدند و از او پیروی کنند و از او حرمت و عزت نگاه‌داشتند و یاریش کردند و نوری که به او نازل شد پیرو شدند آن گروه در حقیقت رستگاران عالمند (سوره مبارکه اعراف آیه شریفه ۱۵۷)

کافران می‌خواهند که نور خدا را به نفس تیره و گفتار جاهلانه خاموش کنند و خدا نگذارد تا آن که نور خدا را در منتهای ظهور و حد اعلای کمال برساند هر چند کافران ناراضی و مخالف باشند (سوره مبارکه توبه آیه شریفه ۳۳ و سوره مبارکه صف آیه شریفه ۸) آنگاه بگو آیا چشم نابینای جاهل و دیده بینای عارف یکسان است؟ آیا ظلمات شرک و بت‌پرستی با نور معرفت و خداپرستی مساوی است؟ (سوره مبارکه رعد آیه شریفه ۱۶)

این قرآن کتابی است که ما به تو فرستادیم تا مردم را به امر خدا از ظلمات و جهل و کفر بیرون آری و به عالم نور رسانی و به راه خدای مقتدر و ستوده صفات رهسپار گردانی (سوره مبارکه ابراهیم آیه شریفه یک)

ما موسی عمران را با آیات خود بر فرعونیان فرستادیم و به او دستور دادیم که قومت را از ظلمات جهل و گمراهی بیرون آور و به عالم نور رسان و روزهای خاص خدا را به یاد آن‌ها آر که این یادآوری بر هر شخص که در بلا و نعمت صبور و شکرگزار است، دلایل روشن خواهد بود (سوره مبارکه ابراهیم آیه شریفه ۶)

*الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجه کانهما کوكب ذری ...* خدا نور وجودبخش آسمان‌ها و زمین است داستان نورش به مشکوتی ماند که در آن روشن چراغی باشد و آن چراغ در میان شیشه‌ای که تالاولو آن گویی ستاره‌ای است درخشان و روشن از درخت مبارک زیتون با این‌که شرقی و غربی نیست شرق و غرب جهان بدان فروزان است و بدون آن‌که آتشی زیت آن‌را برافروزد خودبه‌خود جهانی را روشنی بخشد که پرتو آن نور حقیقت بر روی نور معرفت قرار گرفته و خداوند هر که را خواهد به نور خود هدایت کند که این مثل‌ها را خدا برای مردم هوشمند می‌زند که به راه معرفتش هدایت یابند و خدا بر همه امور غیب و شهود عالم داناست (سوره مبارکه نور آیه شریفه ۳۵)

... هر که را خداوند به او نور علم و معرفت و ایمان نبخشید هرگز جان او نور و روشنی نخواهد یافت و به کیفر شک و حیرت خواهد مرد (سوره مبارکه نور آیه شریفه ۴۰)

هرگز کور و بینا یکسان نیست و هیچ ظلمت با نور برابر نخواهد بود و هرگز آفتاب و سایه هم مرتبه نباشد و ابداً زنده‌ها با مرده‌ها برابر نیستند (سوره مبارکه فاطر آیات شریفه ۱۹ تا ۲۲)

آیا آن کس را که خدا برای اسلام شرح صدر عطا فرمود که وی به نور الهی روشن است چنین کس با مردم تاریک‌دل یکسان است؟ پس وای بر آنان که از قساوت و شقاوت دل‌هایشان از یاد خدا فارغ است اینان هستند که دانسته به ضلالت و گمراهی‌اند (سوره مبارکه زمر آیه شریفه ۲۲)

و زمین محشر به نور پروردگار روشن گردد و نامه اعمال در پیشگاه عدل نهاده شود و انبیا و شهدا (بر گواهی) احضار شوند و میان خلق به حق حکم کنند و بر کسی ابداً ستم نخواهد شد (سوره مبارکه زمر آیه شریفه ۶۹)

پس به خدا ایمان آرید و به رسول او و نوری که در آیات قرآن فرستادیم بگروید و بترسید که خدا بر هر چه کنید آگاه است (سوره مبارکه تغابن آیه شریفه ۸)

خدا یار اهل ایمان است آنان را از تاریکی‌های جهان بیرون آرد و به عالم نور و روشنایی برد و آنان که راه کفر گزیدند اولیای ایشان شیطان و دیو راهزن است آن‌ها را از جهان نور و روشنایی به تاریکی‌های گمراهی افکند و این گروه اهل دوزخ و در آن مخلد خواهند بود (سوره مبارکه بقره آیه شریفه ۲۵۷)

### اقسام نور:

الف) نور لفظی و ظاهری: نور ظاهری همان نور آفتاب است که آفتاب آمد دلیل آفتاب؛ که ظاهر نور جهان را تبیین و تأمین می‌کند که علمای نجوم و هیئت گویند از بدو آفرینش هستی تاکنون که نزدیک به ۵ میلیارد سال می‌گذرد حدود پنج درصد از انرژی خورشیدی نوربخش آن به اتمام نرسیده و منبع نورانیت هستی بخش مدام آن، از اسرار خلقت و برکسی معلوم نیست و این آفتاب عالم تاب بدون وقفه و بدون هیچ‌گونه سهو و اشتباه و خطا از پیدا تا نهران، در حال نورافشانی است و غروب و ظهورش نمایانند شب و روز، با این عظمت که طلوع و ظهور هر روز از ماه و سال متفاوت از همدیگر و دستگاه منظم و دقیق کامل که بلاانقطاع مأمور انجام وظیفه است بدون قطع و وصلی حتی به اندازه یک‌بی‌نهایتیم ثانیه که در برخی از سطح زمین، اختلاف رؤیت نور آفتاب با مکان دیگر به جهت حرکت‌های عالمانه آفتاب و ماه و زمین به دور خود و به دور یکدیگر، شب و روز را پدید می‌آورد که در نقطه‌ای از زمین روز است و همزمان در مکانی دیگر شب! و در نقاطی شش‌ماه شب است و شش‌ماه روز!

بدین معنی که در اثر حرکت منظومه شمسی خدای قادر چنین مقدر و مقرر فرموده که همه اشیای کل سماوات السبع و الارض به نور حیات بخش آفتاب یا آفتاب‌ها منور است و هموست که تشکیل‌دهنده لیل و نهار است. بناءً هر نقطه‌ای از این کره خاکی شبش مثل روز است و روزش همانند شب و همه‌اش عین نور و روشنایی.

ب) نور باطنی یعنی نور معنوی و عرفانی:

نور باطن در مراتب خود مختلف است.

اول؛ نور اسلام که با نور اخلاص است.

دوم؛ نور ایمان که با نور صدق است.

سوم؛ نور احسان که با نور یقین است.

این است منزل‌های راه شریعت و مقام‌های مؤمنان!

لیکن اهل حقیقت و جوانمردان طریقت را نور دیگر است و حالت دیگر!

اول؛ نور آن‌ها نور فراست که با آن نور مکاشفت است.

دوم؛ نور استقامت که با آن، نور مشاهدت است.

سوم؛ نور توحید که با آن نور قرب احدیت است.

#### تفسیر ادبی و عرفانی نور

خداوند منورکننده آسمان‌ها و زمین است بر مؤمنان مصور اشباح است و منور ارواح، همه نورها از اوست بعضی آشکار و پیدای، برخی پنهان و ناپیدا، نور آشکار مانند نور آفتاب، و ماه گرچه روشن است. لیکن تابع نور پنهان است، نور آفتاب و ماه گرچه روشن است لیکن آن را روزی کسوف و خسوف باشد و فردای قیامت تیره و تاریک باشند! ولی آفتاب معرفت و نور توحید که از مطلع دل‌های مؤمنان سرزند آن‌را هرگز کسوف و خسوف نباشد و مکدر و تیره نگردد؛ طلوعی بی‌غروب! کشفی بی‌کسوف و اشراقی از مقام اشتیاق که همه افلاک و اقمار و انجم به‌نورش منورند که گفته‌اند: آفتاب باش که اگر خواهی نتابی، نتوانی!

#### معنای «نور علی نور»

بنده مؤمن تا در این مقام‌ها باشد، دل بسته روش خویش است. اکنون باز کشش حق آغاز کند، جذبه‌ خدایی در پیوندد، نورها دست در دست هم دهند؛ نور عظمت و جلال، نور لطف و جمال، نور هیبت، نور غیرت، نور قربت، کار به جایی رسد که عبودیت در نور ربوبیت ناپدید شود و این انوار قرب پروردگار در همه عالم جز محمد مصطفی (ص) را

نیست که او کل کمال است و جمله جمال و قبله افضال! مصطفی (ع) درباره این نور گفته: عالمیان مشتی خاک بودند در تاریکی خود بمانده در نهاد تیرگی سرگردان مانده و در پرده آفریدگی ناآگاه! همی از آسمان ازلیت باران انوار سرمدیت باریدن گرفت، خاک خوشبو گشت و سنگ گوهر و رنگ آسمان و زمین دیگر گشت لطیفه‌ای پیوند آن نهاد گشت، خداوند از نور خود پرتوی بر آن پاشید، پرسیدند: این را چه نشانی هاست؟ گفت: چون سینه به نور الهی گشاده شود، همت عالی گردد، غمگین آسوده شود، دشمن دوست گردد، پراکندگی به گردآوری بدل شود، بساط بقا بگسترده، فرش فنا درنوردد، زاویه اندوه را دربندد، باغ وصال را دربگشاید به زمان فقر گوید:

الهی، کار تو بی‌ما به نیکویی درگرفتی، چراغ خود را بی‌ما به مهربانی افروختی، خلعت نور از غیب بی‌ما، به بنده‌نوازی فرستادی، چون رهی را به لطف خود به این رو آوردی، چه شود که به لطف خود ما را به سر بری؟

در ذیل آیه شریفه ۴۰ از سوره مبارکه نور آمده است: خداوند به فقیر از جهت فقرش نیست که نزدیک می‌شود و از غنی به جهت غنایش نیست که دور می‌شود و در امور جهانی، خداوند را خطری و سود و زیانی نیست که به یکی بیبوندد و از دیگری ببزد! چه اگر تمام دو جهان در راه او بذل کنی به او نمیرسی و اگر تمام دو جهان را بگیری از تو نمی‌بزد! نزدیکی به کسان و دوری از کسان بدون علت است که فرمود: هر کس را که خداوند، نوری در دل او ننهد، او نوری نخواهد داشت و بزرگان گفته‌اند هر ذره‌ای که نور ببیند، نما کند.

### حکایت شگفت‌آور

در آثار منقول آمده که یکی از دانشمندان اسلام در جنگ با روم اسیر رومیان گشت و پس از آزادی، مدتی در آنجا بماند، روزی رومیان را دید که همگی در بیابانی گرد آمده‌اند، سبب پرسید، گفتند در اینجا اسقفی است که سالی یک‌بار از صومعه بیرون آید و مردم را پند دهد و امروز میعاد است که مردم برای پند شنیدن، آمده‌اند و آن دانای مسلمان هم با

رومیان در آنجا حاضر شد. گویند سی‌هزار کس بودند، اسقف به منبر شد و خاموش نشست! مردم تشنه سخن وی بودند! گفت سخن گفتن من بسته شد. بنگرید مگر غریبی از اهل اسلام میان شما است! گفتند ما نمی‌دانیم و کسی را نمی‌شناسیم، اسقف به آواز بلند گفت هر کسی از کیش محمد (ص) است از جا برخیزد! مسلمان گفت من ترسیدم و تغافل کردم! اسقف گفت اگر شما او را نمی‌شناسید و او خود را نمی‌شناساند، من او را می‌شناسم! پس از آن در روی مردمان نیک‌نگریست و چون چشمش بر عالم مسلمان افتاد با شتاب گفت: او، این است! همان کسی را که من می‌جویم! ای جوانمرد برخیز و نزد من بیا! که با تو سخن دارم! بلند شدم نزد او رفتم پرسید: تو مسلمانی؟ گفتم آری، گفت: از دانایان آن‌ها هستی یا از نادانان؟ گفتم به آنچه دانم عالمم و آنچه را ندانم متعلمم! و در شمار نادانان نیستم! گفت: تو را سه مسئله پرسم مرا جواب ده. گفتم تو را جواب دهم به دو شرط: یکی آن‌که بگویی مرا از چه شناختی؟ دیگر آن‌که من نیز سه مسئله از تو می‌پرسم، مرا جواب ده! اسقف آهسته سر به گوش من نهاد و گفت: تو را از روی تو نه بلکه از نور ایمانت شناختم! که نور ایمان و توحید از روی تو درخشیدن داشت!

آن‌گاه پرسید: پیغمبر شما می‌گوید در بهشت درختی است که شاخه‌ای از آن در هر کاخی است! نظیر آن در دنیا چیست؟ گفتم مانند آن درخت در این دنیا، آفتاب است که به هر سرابی و کویی پرتوی افکند! گفت: راست گفتی! پرسید پیغمبر شما گفته که بهشتیان غذا و آب خورند و آنان را هیچ حدّ نباشد! مانند آن در دنیا چیست؟ گفتم بچه در شکم مادر غذا می‌خورد و حدّ ندارد! گفت راست گفتی. پرسید رسول شما گفته که یک حبه صدقه و یک ذره احسان در دنیا، در قیامت کوهی بزرگ باشد، در دنیا نظیر آن چیست؟ گفتم: بامدادان که آفتاب برآید یا شام‌گاهان که فرو رود، با خود سایه‌ای در عقب گذارد که به ذات خویش کوتاه بود ولی چون پیش آفتاب بداری دراز باشد و بسیار نماید. اسقف گفت: راست گفتی!

آن‌گاه من از او پرسیدم: درهای بهشت چند تا است گفت: هشت تا. گفتم درهای دوزخ چند تا است، گفت: هفت تا. گفتم بر در بهشت چه نوشته؟ اسقف از این سؤال در سکوت

شد و درماند! رومیان گفتند جواب ده تا این مرد بیگانه نگوید که اسقف نتوانست جواب گوید! اسقف گفت: اگر این جواب ناچار است با صلیب و زنار راست نمی‌آید! آن‌گاه زنار را بگشاد و صلیب را بیفکند و گفت: روی در بهشت نوشته شده: (لا اله الا الله محمد رسول الله)؛ نیست خدایی جز خدای یگانه و محمد (ص) فرستاده او است.

رومیان چون این بشنیدند اسقف را دشنام دادند و سنگ انداختند. آن‌گاه اسقف به مسلمان گفت: آیتی از قرآن بخوان، من این آیه را خواندم که *والله يدعوا الي دار السلام*. اسقف چون این آیه شنید بگریست و گفت: ای مردم، بدانید که پرده از چشم ما برداشتند و به‌زودی هفتصد فرشته با هودج آیند و ارواح ما شهیدان را به آسمان برند و من یقین دارم که از شماها هفتصد نفرتان مسلمان شوند و اکنون در این کرامت من نگرند!

آن‌گاه گروهی از رومیان زنار گشودند و صلیب شکستند و مسلمان شدند ولی باقی مردم بر آن‌ها تاخته، اسقف را با همگی آن‌ها بکشتند، چون کشتگان را شماره کردند بی‌کم و زیاد، هفتصد نفر بودند!

لطیفه: مقصود از این حکایت آن است که نور مؤمن موحد در میان مشتی کافر منکر می‌تافت تا اسقف بدید و آن کار برفت و مثل نوره کمشکوه، اشارت به مصطفی (ص) است که خلقتش نور بود و خلعتش نور و نسبش نور، ولادتش نور، مشاهدتش نور، معاملتش نور، معجزتش نور، و او خود در ذات خود نور علی نور بود!

محمد (ص) مهتری که در روی او نور رحمت، در چشم او نور عبرت، در زبان او نور حکمت، در میان شانۀ او نور نبوت، در کف او نور سخاوت، در قدم او نور خدمت، در موی او نور جمال، در خوی او نور تواضع، در سینه او نور رضا، در سر او نور صفا، در ذات او نور طاعت، در طاعت او نور توحید، در توحید او نور تحقیق، در تحقیق او نور توفیق، در سکوت او نور تعظیم و در تعظیم او نور تسلیم است!

#### حسین منصور حلاج گوید:

در سر آدمی نور وحی است و میان دو چشمان او نور مناجات؛ و در گوش او نور یقین؛ و در زبان او نور بیان؛ و در سینه او نور ایمان؛ و در دیگر موجودات نور سپاس‌گزاری

خداست؛ مصداق سوره تسبیح (یسبح لله ما فی السموات و الارض) و هم‌این که یکی از این نورها برافروخته شود بر نور دیگر غلبه می‌کند و او را در زیر سلطه خود می‌آورد و چون آرام شود، نور مغلوب به حال خود برمی‌گردد، در حالی که نور آن روشن‌تر و تمام‌تر و کامل‌تر است از آن که بود! پس اگر همه نورها با هم برافروخته (ملتهب) شوند، آن‌گاه نور علی نور می‌شود که خداوند هر که را خواهد به نور خود راه نماید و هرکه را خواهد به نور خود توانایی دهد و به توانایی خود، او را به عالم غیب رساند و به غیب خود، او را به ازل و ابد رساند! و به ازلت و ابدیت خود، او را به وحدانیت و یگانگی معبود و عبودیت توأم با زهد و تقوی و خضوع و خشوع عابد رساند!

چرا که مطابق آیات شریفه ۳۰ سوره مبارکه روم، ۶۴ سوره مبارکه مؤمن، ۳ سوره مبارکه تغابن، دین حنیف نور است، فطرت!... نور است و فطرت خلق را که در راستای فطرت خود از پاکی‌ها و خوبی‌ها به نیکوترین صورت‌ها آفریده، نور است و تأکید می‌کند به صنع برتر خود که خلیفه الله است و رسد آدمی به جایی که فرشته، ره نیابد، مبارک باد می‌گوید: پس پاک و برتر و بزرگوارتر است پروردگار عالمیان.

و پس از آن که آثار کرامت و دلایل قدرت خویش به وی می‌نمایند و منت بر او می‌نهد و می‌فرماید: آسمان و زمین و هر آنچه در آن‌ها هست که آفریدم از بهر تو آفریدم و از موجودات و مخلوقات هیچ کس را آن صورت و آن جمال ندادند که آدمیان را دادند! با هیچ مخلوق آن سر نبود که با آدمی بود، نه با عرش و نه با کرسی، نه با فلک نه با ملک! زیرا آن‌ها همه بندگان مجردند و آدمیان هم بندگانند و هم دوستان! خداوند بر آدمیان رقیب است. صاحب جمالی باید تا رقیبی بر او گمارند! گفت من رقیب شمایم زیرا رقیب شرط صاحب جمال است و به جمال آدمی هیچ آفریده‌ای نیست!

خداوند، هفت قبه خضرا برکشید، و به ستارگان و اختران بنگاشت، جبال را سیادت نصب کرد هزاران صنعت‌های بدیع از کتم عدم، به عرصه وجود آورد، خورشید جهاتتاب را مدور کرد، ماه آسمان را مصور کرد و در حق هیچ‌یک این خطاب نکرد که در حق آدمیان کرد و

فرمود: فَاحْسَنَ صُورَكُمْ!

بیر طریقت گفت: ای کارنده غم پشیمانی در دل‌های آشنایان، و ای رهاننده رسوز در دل تائبان، ای پذیرنده گناه‌کاران و معترفان، کس باز نیامد تا باز نیاوردی، کس راه نیافت تا دست نگرفتی؛ دست‌گیر که جز تو دستگیری نیست، دریاب که جز به تو پناه نیست، و پرسش ما را جز ز تو جواب نیست، و درد ما را جز ز تو دوا نیست. و حاجت ما را جز ز تو روا نیست و از این غم جز از تو ما را راحت عطا نیست.

در خاتمه و در مقام جمع‌بندی آنچه مذکور افتاد و به‌طور وضوح مشهود و ملموس است، قرآن تصریحاً به بعد باطنی و معنوی و عرفانی گل‌واژه سبز سبز آسمانی «نور» که از اسماء حسنا رب‌النور و الظلم است، تأکیداً عنایت داشته است. لذا ملتسمانه خواهانیم به برکت قرآن نور علی نور و درخشش و نور افشانی این برق لامع و ساطع، جهان و جهانیان را منور و قلوب مؤمنین را به زیور گرانبه‌های ایمان توحیدی مزین و با علم و عمل صالح به آیات زلال قرآنی، ایمان تقوایی را مسجل و به یمن وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) مسلمین را از شر شیطان رجیم و شرور و فتن انس و جن، مصون و محفوظ و با استقرار این چنین ایمان مشتمل بر ایمان توحیدی، تقوایی و روحانی که بالاترین مرتبت ایمان است. توفیق درک نور و شناخت و حرکت به سوی کمال و تشخیص راه صراط مستقیم و سیر و سلوک عالمانه و عاقلانه و عارفانه و عاشقانه در آن را فضلاً و کرامتاً مرحمت فرماید.

### افطاری از جنس نور

پرواضح است پس از سپری شدن ماه رجب‌المرجب (ماه مختص مولا علی (ع) و ماه شعبان‌المعظم (ماه پیامبر اعظم «ص» و کسب فیوضات از مواهب آن‌ها حضرت دوست به مجرد حلول ماه مبارک رمضان و رؤیت هلالش که مخصوص خویش و مسمی به یکی از اسماء حسناش از جنس نور است به مدت یک‌ماه (تا رؤیت هلالی دیگر) بر سیل رأفت و کرامت و ارج نهادن به مؤمنین روزه‌دار ضیافت و بار عام ویژه‌ای اعطا و سفره‌ای به گستره جهان به نام (افطاری) گسترده است که کسی از کم و کیف و مجد و عظمت این مهمانی

باشکوه آگاه نیست، همان گونه که در سوره مبارکه قدر آمده است: *(انا انزلناه فی لیلة القدر و ما ادریک ما لیلة القدر) ولی چون میزبان این مهمانی، خدای نور مطلق، قرآنش نور مطلق، اسلامش نور مطلق، رمضان اش نور مطلق و مهمانانش نوراند، آدمی به سهولت می تواند حدس بزند که این افطاری، ماهانه نیز از جنس نور است و حسن ختام این ضیافت باشکوه یک ماهه بی بدیل (کارنامه قبولی) که شأن و مقامش در فهم نگنجد و در وهم نیاید، عید سعید فطر است و نماز عید فطر؛ که قطعاً آن ها هم از جنس نوراند که با ذکر اسمای حسنی (یا علی یا عظیم یا غفور یا رحیم ...) قطعاً همگان می توانند بر سر سفره حضرتش بسیار محترمانه و عزتمندانه با ملائک و فرشتگان و مقربان درگاه و جمیع انبیا و اولیا و شهدا و صالحین، همنشین و از نعم بیکران بهشتی متنعم و متمتع گردند. اللهم أرزقنا توفیق الطاعة و بُعد المعصية ... و با آرزوی مجد و عظمت اسلام عزیز و عزت مسلمین و محو و نابودی کلیه آثار شرک و کفر و فقر و ظلم و جهل و نفاق و عناد در سراسر گیتی؛*

آمین یا رب العالمین.

